

فرمائید .

نایب رئیس - بعد از سؤال آقای آقاسید یعقوب .
مدرس - پس بنده مرخص میشوم چون نماز نخوانده ام .

(حرکت کرده خارج شدند)

آقاسید یعقوب - این مسئله را بنده میخواهم عرض کنم و آقای وزیر معارف را باین مسئله متوجه سازم که ممکن است از ایالات و ولایات که متصل شاگردان مدارس بطهران می آیند . . .

بعضی از آقایان نمایندگان برای خارج شدن از مجلس از صندلیهای خود حرکت نمودند .

نایب رئیس - آقایان تشریف نبرید که عده برای مذاکرات کافی باشد .

آقاسید یعقوب - و در تهران ما مدرسی که شبانه روزی باشد نداریم قهراً بمدارس می روند که شبانه روزی است مثل مدرسه آمریکائی و در آنجا تحصیلات نیست بلکه تبلیغات است همین قدر آقای وزیر معارف یک توجهی بمدارس فرمائید که در مدرسه آمریکائی که امروز در تحت دستور و نظر وزارت معارف نیست تبلیغات بشود .

وزیر پست و تلگراف - این سؤال نبوده جواب ندارد .

نایب رئیس - آقای شیخ الاسلام سؤالی راجع به انعقاد قرارداد پستی بین ایران و افغانستان دارند و آقای وزیر پست و تلگراف حاضر برای جواب هستند لکن اگر تصویب فرمائید بماند برای جلسه بعد بنا بر این جلسه را ختم می کنیم و دستور جلسه بعد که روز پنجشنبه دوساعت بفرود است بقرار ذیل خواهد بود .

اولاً بقیه شور در ماده واحده تانیاً شور در عهد نامه منعقد بین ایران و چین ضمناً باید بعرض مجلس برسد که عهدنامه منعقد بین دولت ایران و دولت روسیه هم بمجلس رسیده اگر مخالفی نباشد به کمیسیون خارجه ارجاع میشود مخالفتی نشود .
(مجلس تقریباً پنج ساعت از شب گذشته ختم شد) .

جلسه ۳۵

صورت مشروح مجلس یوم پنج شنبه چهارم برج عقرب ۱۳۰۰ مطابق ۲۵ شهر صفر ۱۳۴۰

مجلس يك ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید .

(صورت مجلس یوم سائنبه دوم عقرب را آقای تدین قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس ملاحظاتی هست یا خیر ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . راجع به کسر اعضاء کمیسیونها انتخابی که فرموده اید نتیجه مطلوبه حاصل نشده کمیسیون داخله چهار نفر لازم یک نفر اکثریت پیدا کرده سه نفر دیگر باید امروز معین شود کمیسیون قوانین مالیه یک نفر عضو لازم داشت کسی اکثریت پیدا نکرده یک نفر هم در موقع تنفس برای کمیسیون مالیه باید معین فرمائید شاهزاده سلیمان میرزا هم با اکثریت چهل و هفت رأی بصوت کمیسیون خارجه تعیین شده اند یک نفر هم برای کمیسیون عدلیه تعیین فرموده اید ولی بنده نفهمیدم بجای کی بوده

حاج شیخ اسدالله - آقای مشیرالدوله چون از کمیسیون خارجه استعفا دادند و عضویت کمیسیون عدلیه را قبول کردند از این جهت دو نفر انتخاب نکردیم و یک نفر عوض شاهزاده نصرت الدوله انتخاب شد .

رئیس - در هر صورت سه نفر برای کمیسیون داخله و یک نفر برای کمیسیون قوانین مالیه باید در موقع تنفس معین فرمائید . دستور امروز ؛
اولاً شور در قانون تشکیلات ، تانیاً شور در معاهده ایران و چین بالفصل بحث در قانون تشکیلات است .

آقاسید یعقوب - بنده در کمیسیون نظام عضویت داشتم و استعفا دادم از قراریکه اطلاع دارم در کمیسیون معارف انتخاب شده ام گویا اطلاع نداده اند .

رئیس - بلی صحیح است آقای آقاسید یعقوب از کمیسیون نظام استعفا نمودند و برای کمیسیون معارف انتخاب شده اند آقای آشتیانی و آقای آقاسید یعقوب برای کمیسیون معارف انتخاب شده اند و کمیسیون مزبور تکمیل شده حالا سه نفر برای کمیسیون داخله و یک نفر برای کمیسیون قوانین مالیه و یک نفر هم برای کمیسیون نظام باید معین فرمائید آقای امین الشریعه (اجازه)

امین الشریعه - بنده موافق هستم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید ؟

حاج شیخ اسدالله - خیر بنده هم موافقم

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده مخالف هستم ولی آقای وزیر تشریف ندارند دفاع کننده از عریض بنده کیست ؟

مدرس - موافقین .

سلیمان میرزا - شاید موافقین کاملاً نظر وزیر را دارا نباشند می فرمائید عرض کنم والا بماند تا آقای وزیر مالیه تشریف بیاورند

رئیس - پس میخواهید داخل در مسئله دویم دستور بشویم تا وزیر مالیه بیایند .

(گفته شد صحیح است)

رئیس - عهدنامه چین ؛ بحث در کلیات است . کسی در کلیات اجازه نمیخواهد ؟

مستشار السلطنه - بنده تصور می کنم حضور آقای زیر خارجه در موقع بحث در کلیات لازم باشد نمی دانم مقتضی است در غیاب ایشان مذاکره بکند یا خیر ؟

رئیس - خواهند آمد چون مذاکره در کلیات است ممکن است در کلیات واگر اظهاراتی دارید فرمائید ولی باید متذکر شوم که موافق ماده ۳۲ نظام نامه در مواد نمی توانیم رأی بگیریم اصلاحاتی هم اگر لازم باشد بطریق ارجاع بکمیسیون باشد (گفته شد صحیح است)

رئیس - در کلیات کسی ایرادی ندارد ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - پس رأی میگیریم داخل شور مواد شویم یا خیر ؟ آقایانیکه موافق هستند داخل شور در مواد شویم قیام فرمائید .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در فصل اول اظهاری هست یا خیر ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - فصل دوم آقای منتصر الملك (اجازه)

منتصر الملك - در فصل دوم راجع به تشریفات سفراء و مأمورین سیاسی ترتیبی مینویسد بنده عرض میکنم در ایران یک نوع تشریفات برای سفراء و مأمورین خارجه معمول است میدانم همین طرز ها هم در چین معمول است یاخیر ؟ چون ما بموجب این فصل مجبوریم همان ترتیباتی که برای سفراء کاملاً الو داد معمول می داریم برای مأمورین چین هم بعمل آوریم و میدانم دولت چین تا چه اندازه بادل کاملاً الوداد ترتیبات تشریفات دارد بنا بر این عقیده بنده این است که در این ماده يك كلمه اضافه شود باین ترتیب که آن اقداماتی را که دولت چین برای احترامات و تشریفات نمایندگان سیاسی دول کاملاً الوداد مینماید دولت ایران هم بهمان اندازه بعمل خواهد آورد

نصرت الدوله مخبر کمیسیون خارجه -

بنده درست باشکال نماینده محترم بر نخوردم زیرا در يك معاهده که الزام تمام فروعات آن معاهده نسبت بطرفین است این اشکال بنظر بنده وارد نیست همان طور که نسبت بکلیه دول کاملاً الوداد این دو دولت رفتار می کنند نسبت بشایندگان سیاسی دیگر باید همان احترامات را منظور دارند و عموم عهدنامه های دول دارای همین اصلاح هست ما هم در اولین ذمه که با مهمترین دول آسیائی عهدنامه منعقد می کنیم

باید خودمان را همانطور که مقید در سایر معاهدات می دانیم در این معاهده هم بدانیم حالا دولت چین با دول دیگر چه شرایط تشریفاتی دارد مربوط بما نیست برای اینکه اگر در مقام مقایسه برائیم شاید دول دیگر هم ما بین خودشان آن تشریفاتی که ما داریم نداشته باشند بنا بر این در این ماده ایرادی نمی بینم اگر نقطه نظر آقای چنیز دیگری است ممکن است تشریح فرمایند تا جواب عرض شود.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفید؟
محمد هاشم میرزا - بنده عبارات را ناقص میدانم می خواهم توضیح بخواهم اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید
محمد هاشم میرزا - در این فصل بنویسد تبعه دولت آنها یا اتباع دولت ما که در چین هستند اگر منازعه داشته باشند نماینده ما در چین یا بالعکس نماینده آنها در ایران حق رسیدگی نخواهد داشت و به حکم داخلی رجوع خواهد شد ممکن است در این عبارت سوء تعبیر بشود و حق نظارت برای طرفین باقی بماند در صورتیکه طرفین حق نظارت هم در موقع محاکمات ندارند خوب است این مطلب را توضیح فرمائید چون این عبارت بنظر من خیلی ناقص است

مخبر - بنده در این عبارت هیچ نقصانی نمی بینم برای اینکه بعد از آنکه ما در این ماده قائل شدیم که دولتین دارای همان اختیاراتی خواهند بود که دولتین کامله الوداد هستند مگر رسیدگی به مراجعات اتباع خود که مورد استثنای قائل شدیم دیگر جای استثنای باقی نمایانند زیرا خاطر محترم آقایان مسبوق است که تا حال یک ترتیبات خاص برای رسیدگی به مراجعات اتباع دول خارجه در این جا منظور میشود مقصود از این عبارت این است که آن ترتیبات نباید معمول باشد و نمایندگان دولت ایران و چین هیچکدام به مراجعات اتباع خود در مملکت دیگری حق نظارت و محاکمه نخواهند داشت چنانچه خود شاهزاده محمد هاشم میرزا هم فرمودند در ماده چهارم هم تصریح شده که محاکمات اتباع طرفین به چه نحو جریان پیدا خواهد نمود
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید یا موافق؟

حاج شیخ اسدالله - يك اشتباه عبارتی اینجا شده خواستم عرض کنم
رئیس - اشتباه عبارت را بعد از خاتمه یافتن مذاکرات مخالفین و موافقین اظهار بفرمائید آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده سؤالی را که آقای منتصر الملک کردند و جوابی را که دادند قانع نشدم ...

رئیس - مخالف هستند؟
آقا سید یعقوب - بلی با توضیحی که دادند مخالف هستم
رئیس - بفرمائید
آقا سید یعقوب - عرض این است که اگر ما بتاریخ رجوع کنیم خواهیم دید کلمه کامله الوداد

بعد از معاهده تر کمانچای در ایران جریان پیدا کرده است و برای این کلمه يك تعمیلاتی بردولت ایران تا بحال شده است که باید آنها در دوره مشروطیت از میان برود پس هر دولتی که میگوید من دولت شما هستم و باشما کامله الوداد هستم و با ما دست دوستی میدهد باید بهر قسمی با سایر سفراء رفتار می کنند با نمایندگان ما هم رفتار کنند نه اینکه بگویند با سفیر ما باید اینطور رفتار کنید ولی سفیر شما که وارد مملکت ما میشود فلان طور کامله الوداد هستیم پس بعقیده من اگر کلمه متقابل اضافه شود بهتر است یعنی بهمان اندازه که آنها احترامات میکنند ما هم با آنها به همان طور معامله کنیم که دیگر تکلیف شافی بمانکنند

مخبر - اگر اجازه بفرمائید بنده یک مرتبه دیگر عبارت را بخوانم
فصل دوم - سفرای کبار و وزرای مختار و شارژ و افسرها که هر يك از دولتین معظمین متعاهدین بخواهند بدر بار یکدیگر مأمور نمایند خود و تمام اجزای سفارتی آنها در ممالک طرفین مثل سفراء و مأمورین سیاسی دول متعابه کامله الوداد پذیرفته شده همان رفتار و کاملاً همان احترامات و امتیازات را غیر از رسیدگی به مراجعات تبعه خود خواهند بود

در این عبارت کاملاً تصریح شده است که این حق برای طرفین است و اختصاص بیک طرف ندارد این راهم باید متذکر شد که اصطلاح کامله الوداد منحصر به معاهدات دولت ایران با دول دیگر نیست دول دیگر هم که بین خود معاهداتی منعقد میکنند در مواردی مثل این مورد این اصطلاح را استعمال میکنند این اصطلاح عادی و معمولی است ضروری هم ندارد اما نسبت بقسمت تشریفات آقای آقا سید یعقوب شرحی فرمودند در صورتیکه ما نمی توانیم بگوئیم در این مدت معاهداتی که منعقد نموده ایم شرایط متقابل رعایت نشده همیشه در معاهدات همان شرایطی را که نسبت بسفرای ما رعایت کرده اند ما هم نسبت بسفرای آنها رعایت کرده ایم

رئیس - آقای جلیل الملک مخالف هستید؟
جلیل الملک - يك توضیحی میخواستم
رئیس - بفرمائید

جلیل الملک - آقای منتصر الملک راجع به پذیرائی سفراء شرحی اظهار داشتند و آقای مخبر جوابی فرمودند راجع بتشریفات سفراء اصل و ریشه آن معاهده تر کمان چای است و پس از الغای عهدنامه تر کمان چای این ترتیب ملغی شد و سفراء بدون تشریفات و پذیرائی وارد طهران میشوند فقط در موقع ورود سفیر انگلیس آزهیئت دولت تقاضا شد که يك پذیرائی از او بشود اداره تشریفات وزارت خارجه این مسئله را به آقای رئیس الوزرا متذکر شدند که مسئله پذیرائی سفراء مربوط بقرارداد تر کمان چای بود و اینهم بهم خورده باین جهت موقوف الاجراء و متروک شده از طرف آقای رئیس الوزرا امر شد بطور استثناء تا قزوین استقبال شود و از او پذیرائی نمایند در اداره تشریفات هم قید شد که این مسئله بطور فوق العاده است نسبت بسایر سفراء این طرز معمول نخواهد شد

و باین جهت بنده عرض میکنم برای سایر سفراء هم تا پایتخت پذیرائی نیست و فقط يك پذیرائی های معمولی در دربار و شرفیابی حضور همیونی هست و پذیرائی دیگری نیست و نباید باشد

رئیس - این توضیح خواستن نبود
مخبر - بنده اگر در این باب داخل توضیحات نشدم نه از برای این بود که اطلاعات آقای جلیل الملک بیش از بنده بود بلکه برای این بود که همین که ما گفتیم دولت کامله الوداد معلوم می کند هر يك از دولتین بطوریکه با نمایندگان دول کامله الوداد رفتار می کنند باید با نمایندگان یکدیگر رفتار کنند و احتیاجی بدادن این توضیح نبود

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا مخالفید؟

محمد هاشم میرزا - توضیحی میخواستم
رئیس - خیلی توضیح میخواهید بفرمائید
محمد هاشم میرزا - عبارت کافی نیست برای اینکه عقیده بنده این است که حق رسیدگی و نظارت نوشته شود در واقع ممکن است رسیدگی نشود ولی نظارت داشته باشند و دیگر اینکه اگر دو نفر از اتباع ما در چین نزاع داشته باشند حق رسیدگی را از ما سلب می کند و به محاکمات داخلی آن جا باید رجوع شود عبارت درست مربوط نیست

مخبر - فصل چهارم جواب حضرت والا را می دهد اگر آقای رئیس اجازه میفرمائید قرائت کنم یا خود حضرت والا ملاحظه کنند

محمد هاشم میرزا - ملتفت هستم ولی عقیده بنده این است که اگر اتباع ایران در چین باشند و یا بالعکس بقوانین مملکتی و مذهبی خودشان باید محاکمه شوند و اینکه رجوع به محاکم آن جا شود بنده معتقد نیستم
بعضی گفتند اشتباه می کنید

رئیس - مسئله کابینتولاسیون را می خواهید؟

مخبر - گویا حضرت والا مقصودشان این باشد که اتباع دولت خارجی که در يك مملکت هستند تابع قوانین و نمایندگان مملکت خود باشند ولی اصول کلی که در تمام دنیا جاری است این است که در فصل چهارم نوشته شده و صرفه مملکت ما هم این است که این نکته را در معاهدات دولتی همیشه مراعات بکنند و انشاء الله معاهدات دیگر هم همینطور خواهد شد

(گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله اجازه
حاج شیخ اسدالله اگر چه معامله متقابله است ولی بعقیده بنده اگر يك چیز اضافه شود بهتر است زیرا مطابق این فصل آنها حق محاکمه نسبت باتباع خودشان در مملکت ما ندارند و ما هم حق محاکمه نسبت به اتباع خودمان در مملکت آن ها نداریم ولی یکوقت ممکن است بگویند محاکمه نمی کنند ولی نظارت باید داشته باشند بنده عقیده ام این

است که حق نظارت هم مینماید داشته باشند و معاکم داخلی هر مملکتی بطور آزادانه باید اتباع خارجه را معاکه کند . در این جا کلمه نظارت هم باید اضافه شود .

مخبر - بنده تصور نمی کنم اضافه این مسئله لزومی داشته باشد زیرا حقوق بین المللی و اصولی که حاکم بین ممالک مختلفه است این قبیل مسائل را که حق مداخله و معاکه خواه مستقیم و خواه نظارت در معاکه باشد تعین نموده و این قبیل مطالب از مستثنیات است و تا در معاهده ذکر نشود هیچوقت یکی از امضا کنندگان قادر بتقاضای يك همچو حق نخواهند بود همینقدر که يك اصل کلی جاریه حقوق بین المللی را ذکر کردیم در تمام فروعانی که بر آن صل مترتب میشود استفاده میکنم

رئیس - آقای منتصر الملک (اجازه)

منتصر الملک - بنده در آن موضوعی که

آقای مخبر توضیح فرمودند راجع به معاملات نسبت بمأمورین دولتهای کامله الوداد میدانم ولی عرض می کنم ما نمی دانیم دولت چین طرز رفتار و تشریفات نسبت بمأمورین دول معظمه چیست بنده تصور میکنم که اگر يك کلمه اضافه میشد بهتر بود باین معنی که تشریفات و احتراماتی که باید از طرفین بشود دولت ایران بهمان اندازه معمول می وارد که دولت چین نسبت بسایر دول معمول می دارد و چیز دیگری که باید ذکر شود چنانچه در عهدنامه (۱۲۹۰) ما بین دولت ایران و عثمانی ذکر شده و آن این است که اتباع دولتین ایران و چین مادامیکه در ممالک يك دیگر مشغول حرفت و صنعت می باشند بایستی کلبه آن رسوماتی که به اتباع داخله تعلق میگردد آنها نیز بپردازند ولی در این جا ذکر نشده فقط ذکر شده برافه اتباع خودشان حق رسیدگی ندارند اگر امروز دولت ایران يك رسوماتی برای تجار خودش قرار دهد ممکن است تجار چین بگویند در عهدنامه ذکر نشده و ما مکلف باجرای آن نیستیم و یا بالعکس ممکن است دولت چین يك اصولی مقرر کند و اتباع ایران که در چین هستند بگویند ما مکلف نیستیم و این اسباب يك مذاکرات طولانی مابین دولت ایران و چین بشود.

رئیس - این عهد نامه و دادیه است شما راجع به تشریفات میخواستید مذاکره کنید

منتصر الملک - بلی عرض کردم نظر بنده این تصور دارد خوب است علاوه بشود

رئیس - آقای نصیر السلطنه موافقت ؟

نصیر السلطنه - بلی موافقت می خواهم

وضیعتی که در این موضوع بنظر می رسد عرض کنم و آقای منتصر الملک هم کاملا مطلع شوند .

رئیس - ایشان مخالفند شما موافقت فرمائید .

نصیر السلطنه - بلی بنده موافقت در فصل دوم نوشته میشود .

سفرای کبار و وزرای مختار و شارژدافرها بیکه

هر يك از دولتین معظمین متعهدتین بخوانند بر بار یکدیگر مأمور نمایند خود تمام اجزاء سفارتی آنها در ممالک طرفین مثل سفرا و مأمورین سیاسی دول متجا به کامله الوداد پذیرفته شده همان رفتار و کاملاً همان احترامات و امتیازات را غیر از رسیدگی بر انعام تبه دوا - خود خواهند بود .

بنده آنچه استنباط می کنم این است که مأمورین و سفرای دولت چین و ایران که بممالک یکدیگر می روند همان تشریفات که در دربار و هر يك از دولتین نسبت بنمایندگان دول کامله الوداد معمول است نسبت بهمان نمایند هم همان رفتار را خواهند کرد . در ایران تشریفاتی تا بجا معمول بوده اگر فرضاً بازم برقرار باشد همان رفتار نسبت بمأمورین چین هم خواهد شد و همینطور تشریفات را که در دولت چین معمول است نسبت بنمایندگان ایران هم مرعی خواهند داشت و آنچه را که آقای منتصر الملک فرمودند در اجراء عهدنامه تجارتنی است راجع باین عهدنامه نیست

(گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده موافقت

رئیس - آقای فهیم الملک (اجازه)

مخبر الملک - بنده موافقت

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - فصل سیم - اگر اجازه می فرمائید با وجود اینکه عهدنامه طبع و توزیع شده فصول آن قرائت شود .

(آقای تدین فصل سیم را بمضمون ذیل قرائت نمودند .

فصل سوم - اتباع دولتین معظمین متعهدتین خواه در موقع مسافرت و خواه در موقع اقامت مورد احترام واقع شده و کاملاً در حفظ و حمایت حکام آن مملکت و مأمورین دولت متبوعه خودشان خواهد بود

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا مخالفید ؟

محمد هاشم میرزا - می خواستم سؤال کنم آیا مقصود از موافقت نسبت بمأمورین است

مخبر - بلی مقصود این است که مأمورین يك دولتی در مملکت دیگر در تحت مراقبت و محافظت مأمورین داخلی دولت توفیق خواهند بود و این که در این فصل نوشته شده بلك التزامی توجه حکام مملکت می شود در حد و اختیارات خودشان اتباع خارجه را محفوظ دارند .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

(فصل چهارم را آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)

اتباع معظمین متعهدتین مقیم یا مسافر در ممالک همدیگر تابع قوانین محلی بوده مرافقه و مناقشه و ججه و جنایات آنها در معاکه محلیه ایران و چین رسیدگی و فیصله خواهد گرفت .

رئیس - در فصل چهارم مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)
رئیس - فصل پنجم قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل پنجم - دولتین معظمین متعهدتین حق خواهند داشت قنصل ژنرال و قنصل ویس قنصل یا وکیل قنصل برای اقامت در شهرهای عمده و در بنادر مملکت یکدیگر که این قبیل مأمورین مجاز با اقامت در آنجا هستند مأمور نمایند و مأمورین زور بآستانهای حق رسیدگی بامور مرافقه و مشاجره و جنحه و جنایت تبه از تمام حقوق و امتیازات که بمأمورین و قنصلگری دول کامله الوداد داده شده بهره مند خواهند بود . مأمورین مزبور باید قبل از شروع بانجام وظائف مأموریتی خودشان مطابق معمول تصدیق نامه مأموریت را (اگر گوازی) از دولتی که در مملکت او اقامت خواهند داشت تحصیل نمایند . دولتین متعهدتین اگر مایل شدند بیک نفر از تجار را بسمت ژنرال قنصل یا قنصل ویس یا قنصل یا وکیل قنصلی تعیین نمایند مأموریت آن افتخاری خواهد بود .

رئیس - در فصل پنجم مخالفی نیست ؟

آقا سید یعقوب - در معاهداتی که با سایر دول شده قنصلوهای خود را برای شهرهای معین تعیین کرده اند مثلاً برای ۳ شهر یا ۴ شهر معین میکنند

در اینجا هم اگر قید شود برای ما بهتر است و معین نبودن شهرها نتیجه اش این می شود در هر جائی که بیک نفر تبه پیدا شود يك قنصل باشد و عقیده بنده اینست که اگر شهرهای قنصلو نشین را معین کنند بهتر باشد .

مخبر - تصور نمیکنم احتیاجی به تعیین محدود کردن شهرها برای تعیین قنصلو باشد زیرا تعیین قنصلو برای احتیاجات تجارتنی است و گر نه هیچ دولتی تا احتیاجات تجارتنی نداشته باشد قنصلو برای هیچ شهری معین نمیکند و اگر فرضاً احتیاجاتی ایجاد شود که قنصلو لازم باشد ضرری ندارد و البته این حق بطور تقابل برای ما هم در چین هست .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - اینجام بنویسد اگر بیک نفر از تجار برای قنصلوگری تعیین کنند مأموریت او افتخاری خواهد بود بنده ملتفت نمی شوم که اگر تاجر باشد افتخاری و اگر غیر تاجر باشد غیر افتخاری است یعنی چه ؟

مخبر - این مسئله برای اینست که قنصلوهای افتخاری دارای حقوقی که قنصلوهای رسمی هستند نمی باشند و باین ملاحظه نظر بسابقه هائی که موجود بوده بعضی از اهل محل و اتباع داخلی يك مملکتی حق دارند نمایندگی افتخاری دولت دیگر را بپذیرند باین واسطه خواستند پیش بینی کنند که آنها حقوق مأمورین رسمی را ندارند و شاید عبارت این ماده درست مطلب را بپردازند ولی اصل مقصود این است که غیر از اتباع خودشان حق نداشته باشند قنصلو تعیین کنند مگر اینکه افتخاری باشد چون در افتخاری بودن زحماتی که در افتخاری بودن

است ملحوظ نیست .
محمد هاشم میرزا - اگر مقصود این است که فرمودند عبارت کاملاً ناقص است برای اینکه هیچ نوشته است از تجار تبه خودشان یا دولت طرف یا اتباع دولت ثالث فقط نوشته است اگر تاجر بود باید افتخاری باشد و الاخیر خوب است توضیح فرمائید بنده ملتفت شوم .

مخبر - چون برای اصلاح عبارتنی ممکن بود گرفتار بلك طول مدتی بشویم لذا همین ترتیبی که دررم پایتخت ابطالی این عهدنامه را با نماینده دولت چین منعقد نموده اند نوشتیم و نتیجه اصلی که سندیست دارد بموجب توضیحی که بعد داده می شود بزبان فرانسه است و عبارت آن روشن تر است و هیچ سوء تفاهمی در او ممکن نیست و اگر ما بخوایم عبارت فارسی این ماده را اصلاح کنیم محتاج خواهیم بود تلگراف کنیم برم و در آنجا مذاکراتی برای اصلاح این ماده بشود و بالنتیجه مدتی طول خواهد کشید و بنده گمان نمیکنم این مطلب محتاج باین اقدامات باشد .

(گفته شد صحیح است)

محمد هاشم میرزا - مبرمائید نسخه صحیح نسخه فرانسه است و اگر اختلاف نظر پیدا شود باید به نسخه فرانسه رجوع شود و می فرمائید در نسخه فرانسه صحیح نوشته شده اگر اینطور است پس بسد ترجمه شده بدتر ترجمه کردن محتاج بفرستادن چین و رم و تلگراف کرد نیست ممکن است درست ترجمه کنند که مقصود خوب معلوم شود .

مخبر - بنده خیلی متأسفم که درست نمیتوانم مقاصدم را ادا کنم تا حضرت والا شاهزاده محمد هاشم میرزا مطلب بنده را درك فرمائید يك معاهده وقتی بلك زبانی نوشته شده و امضاء میشود يك ترجمه هم به آن نسخه ضمیمه میشود و نمایندگی آن دولتی که آن نسخه بزبان او ترجمه شده امضا کند در این صورت در موقع تغییر باید به آن نماینده رجوع کرد ولی اگر باز مجلس شورای ملی ایراد کند که این ترجمه ترجمه خوبی نیست که وزارت خارجه کرده است میتوانیم بطور سهل تر ترجمه کنیم نه اینکه بنده عرض کنم اصلاح آن لازم نیست باینکه هر چه اینجا نوشته شده است ما مجبوریم قبول کنیم بلکه میخواهم عرض کنم این اصلاحات را که آقایان محترم فوق العاده تصور میکنند بنده و کمیسیون تصور نمی کنیم چندان اصلاح فوق العاده باشد .

رئیس - در قسمت اول نوشته شده که دولتین حق دارند در بعضی شهرها و بنادر قنصلو معین کنند و در قسمت اخیر نوشته شده که چنانچه بعضی از تجار را بسمت قنصلو معین نمایند مأموریت آنها افتخاری خواهد بود و امتیازاتی را که مأمورین رسمی دارند دارا نخواهند بود برای اینکه نتوانند از آن امتیازات از قبیل معافیت از حقوق گمرکی و چیزهای دیگر استفاده کنند مقصود همین بوده است نه چیز دیگر با وجود این اگر آقایان اعتراضی دارند ممکن است چیزی مرقوم فرمائید و بکمیسیون بدهند در آنجا بعد از ملاحظه شاید اصلاح شود . آقای مستشار السلطنه

(اجازه)
مستشار السلطنه - قسمت اول فصل پنجم به دولتین اختیار بدهد که اگر مایل شدند مأمورین از قبیل ژنرال قنصل و قنصل ویس قنصل یا وکیل قنصل از تجار و اشخاص دیگری در شهرهای عمده دنیا در مملکت یکدیگر معین کنند . سابقه هائی که در نظر داریم و گرفتاری هائی که برای ایران چه در ولایات و چه در مرکز پیدا شده است از همین سیاست بوده آن زمان جاری بوده یعنی یکمده اشخاص با سابقه و اقامت های طولانی در شهرهای ایران به سمتهای رسمی معین میشدند و این اشخاص نسبت با اهالی بطور خوبی سلوک نمیکردند بنده چنین تصور میکنم خوب است این نظریه را در این ماده قید کنند که آنها نمیتوانند با جلب نظر ایران مأمورینی از تجار خودشان مقیم ولایات انتخاب کنند

مخبر - در يك قسمت از این ماده معین کرده است که هیچ دولتی نمیتواند هیچ نماینده در هیچ نقطه بدون اکر گوازی یعنی تصویب دولت متوقف و فیها مأمور نماید دیگر محتاج بتکرار نیست

رئیس - دیگر اعتراضی نیست ؟

(گفته شد خیر)

(آقای تدین فصل ششم را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

فصل ششم - این عهدنامه در چهار نسخه بالسنه فارسی چینی و فرانسه نوشته خواهد شد اگر اختلافی در تعبیر عبارت فارسی یا چینی روی دهد مطابق نسخه فرانسه که برای طرفین واجب الاجرا است قطع خواهد شد

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - چون مضمون این قرارداد از فرانسه بفارسی بدتر ترجمه شده بود بنا بود آقای مخبر بدهند تجدید طبع کنند نمیدانم چه شده که تجدید طبع نشده است مثلاً مقصود از این عبارت که نوشته شده (این عهدنامه در چهار نسخه بالسنه فارسی - چینی فرانسه نوشته شده) این نیست که سه زبان در چهار نسخه نوشته شود مقصود این است که در هر زبان چهار نسخه چاپ کنند این عبارت این مطلب را می رساند

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده هم از آقای مخبر توضیح میخواستم که اینجا نوشته شده این عهدنامه در چهار نسخه چینی فرانسه فارسی نوشته خواهد شد این که سه نسخه میشود پس مقصود چیست

مخبر - همینطور که آقای سردار معظم فرمودند این عبارت ناقص است یعنی غلط است و درست مقصود را نمی رساند و در نظر گرفته شده بود که اصلاح شود . مقصود چهار نسخه از هر يك از این سه زبان است ولی اینکه این اصلاحات نشد برای این بود که وزارت امور خارجه يك ترجمه فرستاده شده بود و ما نمی توانستیم قبل از يك مذاکراتی آن ترجمه

را اصلاح بکنیم و همانطور که در ماده قبل مذاکره شد ممکن است آقای سردار معظم همین شرح را بنویسند و بفرستند به کمیسیون البته تحت نظر گرفته می شود و حال آنکه آقای وزیر امور خارجه تشریف آوردند خودشان بهتر از بنده می توانند بگویند که آیا اصلاح عبارتنی را در این عهدنامه جایز میدانند یا خیر ؟

رئیس - در فصل ششم دیگر مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

آقای تدین فصل هفتم را بمضمون ذیل قرائت نمودند

فصل هفتم - این عهدنامه موافق قوانین مملکت ایران و چین به تصدیق اعلیحضرت شاهنشاهی ایران و رئیس جمهوری چین رسیده هر چه زودتر مبادله خواهد شد و لهذا وکلای مختار این عهدنامه را امضاء نموده و به مهر خود مهر داشتند . در شهر تبریز روز سه شنبه چهاردهم شهر رمضان یک هزار و سیصد و سی و هشت

سردار معظم - تصور می کنم از نقطه نظر شور در عهدنامه يك مختصر اختلافی حاصل شده باشد البته اگر در اصل مواد عهدنامه نظری داشته باشیم باید بکمیسیون فرستاده شود ولی این اصلاح عبارتنی است و هیچ مربوط به اصل عهدنامه نیست نمی دانم چرا از نظر حضرت والا شاهزاده نصرت الدول معو شده در کمیسیون خارجه که بنده هم بطور فوق العاده دعوت شده بودم چند کلمه بدتر ترجمه شده بود یکی در ماده سوم بود یکی همین ماده بود یکی هم ماده دیگری بود که درست نظر نمی کنم این مواد بدتر ترجمه شده بود و در کمیسیون ترجمه ثانوی شد و فرار شد طبع کنند . حالاهم عرض میکنم لازم نیست .

بنده پیشنهاد کنم مطابق همین عهد نامه نسخه فرانسه معتبر تر است و اگر اختلافی حاصل شود باید بآن نسخه رجوع کنند بهتر این است عبارت فارسی هم حتی الامکان بعبارت فرانسه مطابقت کند و بنده اشکالی نمی بینم . قرازم شده بود از طرف کمیسیون آن اصلاحاتی که لازم بود بشود و تجدید طبع کنند مثلاً در فارسی انووتیک معنای دیگری دارد اینجا حکام ترجمه شده . در صورتیکه ترجمه اتوریت حکام نیست مقصود اقتدار کلبه مأمورین دولتی است بعقیده بنده لازم نیست از طرف نمایندگان پیشنهاد ارجاع بکمیسیون شود اینجا مطالبی است که خود کمیسیون لازم بود آنها را اصلاح کند و عبارات فارسی را مطابق مکتب فرانسه ترجمه نمایند .

مخبر - بنده هیچ اشتباه نکرده ام و خودم هم تصدیق دارم و چنانکه گفتیم اصلاح عبارتنی لازم است و در موقعی که آقای سردار معظم تشریف نداشتند موقعی بسمت آوردم که بلفظ حکام چیزی اضافه کنم کمیسیون بیک دلالتی ترجمه را اصلاح نکرد و اگر میل داشته باشید خود آقای وزیر امور خارجه آن دلایل را بیان می فرمائید .

رئیس - در هر صورت این عهدنامه بر می گردد بکمیسیون و پس از آنکه بکمیسیون برگشت ممکن است اگر اصلاحی لازم باشد بشود .

سردار معظم - خوب است آقای وزیر امور خارجه توضیحاتی که لازم میدانند بدهند

وزیر امور خارجه - آقام انتظام الملک معاون وزارت خارجه را آورده ام به مجلس معرفی کنم خود بنده گرفتاری دارم اگر توضیحاتی لازم باشد ایشان بمرض خواهند رسانید .

رئیس - در فصل ششم دیگر مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

آقای تدین فصل هفتم را بمضمون ذیل قرائت نمودند

فصل هفتم - این عهدنامه موافق قوانین مملکت ایران و چین به تصدیق اعلیحضرت شاهنشاهی ایران و رئیس جمهوری چین رسیده هر چه زودتر مبادله خواهد شد و لهذا وکلای مختار این عهدنامه را امضاء نموده و به مهر خود مهر داشتند . در شهر تبریز روز سه شنبه چهاردهم شهر رمضان یک هزار و سیصد و سی و هشت

مجری و غمزه زون بکهار و نهصد و بیست میلادی سال نهم چهارم ویت چین
 امضاء : میرزا اسحق خان مفخم الدوله (محل مهر)
 امضای فرانسه
 امضاء : دان گران کی (محل مهر) بخط چینی
 امضای فرانسه

رئیس - در این فصل مغالفی نباید باشد :
آقای سید یحیی قویب - يك كلمه عرض دارم . اینجا نوشته است موافق قوانین ایران و چین به تصدیق اعلیحضرت رسیده ولی موافق قانون اساسی باید معاهده از مجلس بگذرد و تصور می کنم این عبارت (بعد از گذشتن از مجلس) باید با وضوح شریک باشد .
مخبر - چون موافق قوانین مملکتی بایستی از مجلس بگذرد تصدیق می فرمائید که این توضیح واضحی است .

رئیس - دیگر مغالفی نیست ؟
(گفته شد خیر)
رئیس - شور اول در این عهد نامه با تمام رسید آقایانی که اصلاح عبارتی دارند باید مرقوم بفرمایند و یکسویون بفرستند و اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس داده شود بعد از تنفس شوردر قانون راجع بتشکیلات مالمه خواهد بود
(در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً مجلس تشکیل شد)

رئیس - موضوع مذاکرات بقیه بند اول در قانون راجع بتشکیلات مالمه است آقای امین الشریعه موافقت ؟

امین الشریعه - بلی موافق هستم
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای زنجانی اجازه نطق
آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بنده با اعتماد کاملی که بکفایت و درایت و حسن نیت وزیر مالمه دارم و امیدوارم مالمه این مملکت را اصلاح بکند با این پیشنهاد مغالفت هستم یعنی این را کافی نمی دانم و بچند چیز که اشاره شد باید متذکر شوم
 اولاً - اینکه آقای تدین که فرمودند در لایحه باید مقدمه باشد که سر این پیشنهاد بیان کند مطلب صحیحی فرمودند زیرا خیلی اهمیت دارد و بملاحظاتی در قانون ذکر شده است بجهت آنکه اگر آقای وزیر مالمه منافع پیشنهاد خود را در مقدمه ذکر می کرد و زیاده منکره نمی کردند و آنقدر توضیحات لازم نمی شد پس باید هر يك از آقایان نمایندگان با وزراء يك لایحه پیشنهاد می کنند این نکته را ملاحظه فرمایند .

دیگر آنکه آقای وزیر مالمه فرمودند از این لایحه مدافعه نمی کنم اینهم بعد از این باید متروک شود چرا که این لایحه را البته بنفع مملکت پیشنهاد کرده اند و کسیکه چیزی نافع بحال مملکت می داند و بمجلس پیشنهاد می کند نباید بگوید از آن مدافعه نمی کنم این صحیح نیست و باید مدافعه کند و اگر

پیشنهادش رد شود دو مرتبه آن را اصلاحاتی کرده و بطرز دیگر پیشنهاد کند و آنقدر مسامی باشد تا پیشنهادش بگذرد و اینکه فرمودند مدافعه نمی کنم مدافعه هم فرمودند و خیلی هم بجای بود می باید مدافعه بکنید چطور میشود کسی پیشنهادی بکند و مدافعه ننماید ؟

يك چیزی هم فرمودند اگر چه صریح نبود ولی بطور اشاره فرمودند اگر این پیشنهاد پیش نرود من کار نخواهم کرد این راه من بعد باید وزراء ترك کنند بجهت اینکه ممکن است این مسئله در کارها مؤثر شود نباید يك کسی باشد که بخواهد رای خود را علنی کند و بگوید من جداً مخالفت می کنم آنوقت رفته رفته در نظریه اشخاص يك اثراتی میگذرد پس این حرفها را نباید گفت و نباید استادگی کرد و لایحه را پیش برد اما هبواتی که در پیشنهاد هست این است ناچار آقای وزیر مالمه آن قانون را محل اشکال و مضر دیده اند اما از طرفی هم نمی شود گفت يك قانونی که گذشته و اجراء شده موقوف الاجرا ماند و موقوف الاجرا موقعی است که قانونی وضع شد و یا هیچ بوقوع اجراء گذارده نشده یا اصلاح نبوده یا وسایل اجراءش فراهم نبوده آنوقت آنرا می گویند موقوف الاجراست

اما در صورتی که يك قانونی صلاحیت نداشته و نسخ شود پس از نسخ شدن چطور باز اجراء می شود فرضاً ما قبول کردیم این قانون تا سه ماه اجراء نشود و چیزهای دیگری بوقوع اجراء گذاشته شود بنظر من ممکن نیست در این مملکت در ظرف ۳ ماه بتوان يك تشکیلاتی داده و يك قانونی را بطریق نظامنامه بحال اجراء گذارد که در ظرف آن ۳ ماه معلوم شود این قانون خوب است یا خیر ؟

ثانیاً هر گاه همچو چیزی شد و رأی داده شد و این نظامنامه را نوشته و بوقوع اجراء گذاشتند پس از سه ماه دیدند این نظامنامه که بوقوع اجراء گذارده اند جربانش خوب نشد و خودشان نه پسندیدند آنوقت چه خواهند کرد بر خواهند گشت همان تشکیلات اولیه که آنرا مضر و غیر قابل اجراء میدانستند یا اینکه خواهند فرمود من نظامنامه دیگری میآورم ۳ ماه هم آنرا امتحان می کنم در اینصورت باید هر سه ماه سه ماه نظامنامه امتحان شود تا یکوقتی يك نظامنامه قابل نوشته شده و از مجلس بگذرد بنا بر این بعقیده من عرض اینها بهتر این است که نواقص آن قانون را رفع کنند و موادی که در آن قانون نیست اضافه کنند

يك چیزی هم می خواستم در این ضمن عرض کنم و آن این است که يك اشاره راجع بیکسویون حوالجات فرمودند شاید اشتباه کرده اند برای اینکه یکسویون تطبیق حوالجات یکسویون تقنی نیست که تقنیش بکند در فلان ولایت چه شده با فلان سوازه مبلغ داده شده مجلس یکسویون تطبیق را وضع کرد برای اینکه يك بودجه تصویب کند و بدست وزراء بدهد چون خیال نمی کردند مجلس تعطیل خواهد شد یکسویون تطبیق برای این بود که هر چه به خزانه حواله می

کنند یکسویون به بند آيا مطابق با تصویب مجلس است یا خیر ! اگر مطابق است تصدیق کند و اگر مطابق نیست رد کند بیکسویون تطبیق چطور می تواند مغایر را رد رسیدگی کند مثلاً صد هزار قشون هست پس از اینکه مغایر آن را دادند برود به بند واقعا صد هزار قشون بوده یا نود هزار یکسویون تطبیق برای این نیست برای تطبیق حوالجات و وزراء بودجه مصوبه است که اگر مطابق است خزانه بدهد و اگر مطابق نیست ندهد حالا مجلس طول کشید و فاصله پیدا کرد آن قانون اجراء نشده یا اجراء شده نمایانم بالاخره عرض می کنم که الان باید معین بکنند که اگر این امتحان پیش آید یعنی سه ماه گذشت بعد چه خواهند کرد ، آيا بقوانین اولیه بر میگردند ، بلی دیگر معنی موقوف الاجرا همین است یعنی يك قانون راسه ماه موقوف الاجرا میکنند اگر بعد اجراء می کنیم در حالی که میگویند این قانون نافع نیست و مضرات است پس من چنین صلاح میدانم آن هیوبی که در قانون تشکیلات دیده اند و در موقع اجراء به اشکالات برخورد کرده اند بفرمایند تا آن اشکالات رفع شود مثلاً مثل آنکه در جلسه گذشته فرمودند که معاون بسویت وزیر امضاء بکنند کافی است این جزئیات در تمام قانونها هست او چیزی نیست با این حال ممکن است پیشنهاد کنند رفع شود و هر جا اشکال دارند بگویند فلان اشکال در فلان ماده هست یا فلان ماده کافی نیست فلان نص را دارد آنوقت عرض این ماده آنها را پیشنهاد کنند مجلس هم بدردی جلسه می کند که آن قانون را میگذرانند انشاء الله مجلس هم بعدها به همت وزراء و اهل مملکت دائمی خواهد شد و هر وقت هر اشکالی دارند بمجلس پیشنهاد می کنند بعد هم متخصصین می آیند و اصلاحاتی می کنند و این ترتیب اشکالاتی ندارد و اگر باشکالاتی هم برخوردند راهی برای حل آن اشکالات پیدا می کنند والا با این ماده کار مشکل تر خواهد شد زیرا اگر نظامنامه جدید را اجراء کردند و دیدند آن نظامنامه کافی نیست چه خواهند کرد اگر بفرمایند نظامنامه دیگری خواهیم آورد بیشتر مشکل خواهد شد که هر سه ماه چهار ماه يك نظامنامه را بموقع اجراء گذارند پس حالا اگر آقای وزیر مالمه یکی از مواد قانون را ناقص می دانند باید آنقدر استادگی کنند که آن ماده را هم بزند و الا این ترتیب صحیح نیست .

سردار معظم مخبر کمیسیون - بنده تصور می کنم مذاکراتی که در تحت عنوان مخالفت با ماده واحده می شود يك قدری مطابقت با دلائلی که می آورند ندارد و اگر کسانی پیدا می شدند که راستی راستی بالصرایه خودشان و طرفدار قانون تشکیلات موجوده معرفی می کردند و می گفتند قانون تشکیلات خوب است من زیاد تر مخالفت آنها را منطقی میبشردم یعنی می گفتند قانون تشکیلات خیلی خوب است و ما هیچ لزومی ندارم قوانین جدیدی وضع شود و يك نظامنامه های فرضی یا يك قوانین فرضی بعدها اجراء شود این حرفی بود منطقی و قابل قبول ولی ناطقین محترمی که در این جا اظهار عقیده

کردند تماماً با معایب قانون موجوده فعلی موافقت فرمودند و برای قانون تشکیلات موجوده منتهی ایرادی که اظهار کردند این بوده که قانون را نمی شود موقوف الاجراء گذاشت و يك چیزی قائم مقام آن کرد و بهتر این است که اگر وزیر مالمه معایبی از قانون تشکیلات مالمه می بیند يك چیزی قائم مقام آن به مجلس پیشنهاد کند و مجلس تصویب نماید آيا آقایانی که این نظر را دارند تصور نمی فرمایند همین اجازت بمجلس و همین مراجعه بمجلس برای موقوف الاجرا شدن آن قانون در ظرف سه ماه در حکم يك قانون است ؟

تصور نمی فرمایند همین اجازت که بعد از شور دروم از مجلس صادر می شود يك قانون کلی است که قائم مقام قانون تشکیلات مالمه خواهد بود ؟

البته برای اینکه ناطقین بعد از این جواب سؤال خودشان را شنیده باشند و بمن اعتراض نکنند که قانون شرایط خاصی دارد و کسب اجازت در حکم قانون نیست من خودم کسی هستم که در همین کرسی نطق مجلس اعتراف می کنم که قانون يك شرایط و قالیهای خاصی دارد و بهمین جهت نمی گویم این اجازت قانون است بلکه می گویم این اجازت میتواند قائم مقام این قانون بشود با این حال چون خود آقای وزیر مالمه این جا تشریف دارند بفرمایند دارم استفاده از حق آزادی نطق خود نموده و دفاع خواهند فرمود و نظریه هیئت دولت را بایک بیان فصیحی ادا خواهند فرمود بنده همینقدر مجبور هستم آنقدر که مربوط بنظر کمیسیون قوانین مالمه است اظهار کنم و عللی که کمیسیون قوانین مالمه را وادار بقبول این ماده واحده نموده عرض می رسانم :

چنانچه در مقدمه راپورت هم بطور مختصر ذکر شده است کمیسیون قوانین مالمه و هیئت دولت در این مطلب توافق نظر کامل دارند که اساس اصلاحات نه قانون تشکیلات مالمه است نه نظامنامه هائلی که بعد می آید :

اصلاح اساسی این است که شاید خود آقای وزیر مالمه هم در این اصل وحدت نظر کامل با کمیسیون قوانین مالمه و اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی و خیر خواهان این مملکت داشته باشند که قدم جدی برای اصلاحات مملکت فقط توسل به جلب متخصصین خارجی است و این قدم هم البته منحصر بوزارت مالمه نیست بلکه باید این احتیاج را تحت بدوائر مختلفه و وزارت خانهای مملکت معتقد باشیم که تا وقتی که متخصصین خارجی استخدام نشوند و تا وقتی که ما توسل به اطلاعات آنها نشویم اصلاحات اساسی غیر ممکن است و هر اقدامی بکنیم بقول آقای وزیر مالمه اقدامات و اصلاحات زاده وقت و محدود بزمان و روز خواهد بود و تمام این قوانین که در مملکت وضع شده در تحت تأثیرات همان روز و همان زمان بوده است و پس از رفع آن حوادث آن قانون هم از عمل افتاده است پس اصلاحات اساسی را باید با مساعی جمیله دولت و مساعدت نمایندگان محترم در آتیه خیلی نزدیکی با جلب متخصصین منتظر باشیم

و در هر حال چیزیکه در نظر ما و اهل مملکت روشن و معین است و تمام اهل مملکت هم در این قضیه با ما هم صدا هستند خرابی مالمه ما است ممکن است مدافعی از تشکیلات مالمه پیدا بشود ولی تصور نمیکنم کسی پیدا بشود که منکر خرابی مالمه ماباشد و اگر کسی پیدا شود یا موافقت با افکار عامه مملکت نکرده یا اطلاع ندارد خرابی مالمه یکی از حقایق مسلمه است که هیچ مورد تردید نیست ولی ممکن است اختلاف نظر در هل او باشد بعضی ممکن است عقیده داشته اند خرابی مالمه ما مثل سایر ادارات بواسطه بدی قوانین است بعضی ممکن است معتقد باشند بواسطه نبودن قوانین است و بعقیده من ممکن است بواسطه هر دو باشد که هم بواسطه بدی قانون و هم بواسطه نبودن قانون است و هر دو نظر صحیح است و ما نفع اجتماعی هم درین نیست اما باید گفت چرا در این مملکت ما قانون برقرار نمی شود . متأسفانه برای این است که هنوز قانون خواهی و اصلاح خواهی در تمام زبانها ملتی نیست و بعقیده من یکسویون خیلی زیادی در این مملکت قانون را می خواهند دفاع هم میکنند ولی از نقطه نظر اینکه آن قانون توجه خودشان هست ولی بمجرد اینکه مضرات قانون متوجه خودشان بشود حاضر هستند قانون را قطعه قطعه و یاره یاره و لگد کوب نمایند بهمین ملاحظه است که ادوار فترت ماطول کشیده است بجهت اینکه قانون خواه اشخاص مختلفه و زمامداران مختلفه نبوده اند بلکه منفعت دولتی و عشق بمنافع خصوصی بوده است که اغلب طول ادوار فترت شده است عشق بمنافع شخصی بوده که بسبب اجراء نشدن قوانین شده و بالتبینه ادارات ما خراب شده البته مجلس شورای ملی باید پیشقدمی کند در مبارزه این حس بد زیرا ممکن است این حسیات مملکت ما را بالتبینه دچار مضطرات شدید بکند از همین نقطه نظر است که باید بمجلس شورای ملی برای مشی در اصلاحات از زمینه الفاظ خارج شود و خود را باینده الفاظ وجودت بطواهر الفاظ نکتند و برای نیل بمقصود اصلی که اصلاحات باشد باید از هر صورت ظاهر چنین خود را خلاص کند باید بمجلس شورای ملی فکر آقوی باشد و باین قبیل موانع ظاهری تصادف نماید بلی من هم معتقدم که یکی از هل خرابی ادارات ما بدی قوانین است چرا بد است ؟ عدم اطلاع خوب است خجالت بکشیم و اعتراف کنیم که ما هنوز در قسمت های عملی و طرز زندگانی اداره اطلاعاتی را که درخور مقام ما است نداریم و همین مسئله اطلاع نداشتن خودمان است که ما را الزام بطلب متخصصین خارجی می نماید قوانین ما بد هستند بجهت اینکه متخصصین نمی نویسند هر قانونی که ما مینویسیم بامید خوبی مینویسیم و بسا می شود که در عمل ما ثابت می شود که آن امیدواری های ما صحیح نبوده و مبنی بر اصول محکم نبوده از همین نقطه نظر بهمین دلیل است که باید اول اعتراف کرد که برعکس آنچه گفته شد اگر قوانین ما قبلاً بطور نظامنامه ای موقتی در ادارات آنوقت اجراء

و آزمایش گذارده می شد یکسهم از معایب قوانین امروز دیده نمیشد چرا ؟ برای اینکه ما شب می نشینیم و کتاب را مقابل خود می گذاریم و ترجمه می کنیم و باالآخره مطالعه وقت می کنیم و اسس را قانون می گذاریم و تصور می کنیم این مواد که در نظری خیلی خوب بنظرمان می آید در عمل هم حتماً منجر بهمان نتیجه مطلوبه خواهد شد و نتیجه مطلوبه را خواهد داد ولی برعکس در عمل می بینیم خیر اینطور نبوده است آنوقت دچار این مشکلات می شویم که يك عده میگویند قانون را باصلاح باید مقدم داشت و عده دیگر میگویند خیر اصلاح را بر قانون باید مقدم داشت در صورتی که اگر این قانون در یک اداره قبلاً بشکل نظامنامه بوقوع اجراء گذارده شده بود و در ضمن عمل نواقص آن را تکمیل می کردند این معایب پیدا نمیشد و ایرادی هم آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی فرمودند که شاید در عمل دیدند به این بر میخورند آنوقت چه خواهند کرد و باز تأسیسات تازه خواهند کرد یا خیر ؟ این ایراد بعقیده من وارد نیست زیرا يك وزیر مالمه که ما معترف بسوابق او در امر مالمه هستیم اگر تأسیسی در وزارت مالمه بکند نباید معتقد باشیم که آن تأسیسات بی نتیجه خواهد ماند و مطلقاً نتیجه مطلوبه نخواهد داد . بلی ممکن است يك معایبی در عمل پیدا شود برای همین است که آقای وزیر مالمه می خواهند در موقع عمل آزمایش بکنند و پروژه خودشان را پس از مدتی تجربه در يك لایحه کامل بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند پس از این نقطه نظر بعقیده من و کمیسیون قوانین مالمه آزمایش قوانین در موقع عمل مرجح آمد و در هر صورت چیزی که برای ما مسلم و روشن است خرابی مالمه است مذاکره دیگر که در کمیسیون قوانین مالمه شد این بود که رفع معایب اساسی وزارت مالمه منوط بر ورود متخصصین فنی است این اصل هم معرزشد خود آقای وزیر مالمه هم موافقت کردند و قرار هم شد از طرف دولت اقدامات شود ولی تمام ماها میدانیم که متخصصین فنی امروز و فردا نمی توانند وارد شوند اقال چند ماهی وقت لازم است متخصصینی که دولت در نظر دارد استخدام کند حاضر شوند خوب آيا در انتظار ورود متخصصین باید مدتها از اصلاح مالمه دست برداشت ؟ خیر تصور میکنم تمام نمایندگان تصدیق میفرمایند که در انتظار متخصصین نمی شود دستها را روی هم گذاشت حتماً و حتماً لازم است مطابق توقعات و تقاضای های مردم از طرف دولت و مجلس شورای ملی قدمهای جدی برای اصلاح مالمه برداشته شود حالا آقای وزیر مالمه که همه آقایان اظهار می نمایند محل اعتماد و وثوق و شخص صحیح العمل جدی هستند و در اطلاعات ایشان نسبت بمالمه تردیدی برای ما حاصل نیست این طریق اصلاح را پیشنهاد کرده اند خود ما هم با آقای وزیر مالمه یادآوری کردیم که يك راه دیگری برای اصلاح ممکن است باشد و آن اینست که اگر وزیر مالمه يك تصمیمات قطعی دارند آنها را بشکل لوایح قانونی بمجلس پیشنهاد کنند ولی ایشان از نقطه نظر اطمینان ترجیح دادند که قبلاً با فکر خودشان بموقع آزمایش و تجربه بیاورند که بعد بمجلس پیشنهاد نمایند آقایان

ما مجبور هستیم یکی از دوشق را انتخاب کنیم شق اول اینست که مجلس شورای ملی بنام حفظ ظاهر قانون تشکیلات مایه اصلاح خرابی مایه را بگردن بگیرد و بپردازد حق بدهد که بگویند مجلس شورای ملی بواسطه نظر محدود که بحفظ ظاهر قانون داشت مسامحت با پیشنهاد های دولت نکرد و قدم جدی در مرمت خرابیها برنداشت باینکه ولو تمهیداً هم باشد بایشهاد وزیر مایه که محل اعتماد است و مطابق تقاضای وزیر مایه موافقت کند و برای مدت قبلی که سماء باشد بوزیر مایه اجازه داده شود قانون تشکیلات مایه را موقوف الاجرا بگذارد که با اختیار بدهد نظریات خود را امتحان کند اگر من بجای وزیر مایه بودم شاید از پذیرفتن یک همچو مسئولیتی استنکاف میکردم ولی یک وزیر مایه که نیت خیر - خواهانه اش مورد تردید نیست و خود را قادر با اصلاحات خرابی های مایه این مملکت می بیند بنده هیچ مانعی نمی بینم که با ایشان در موقوف الاجرا گذاشتن قانون تشکیلات مایه موافقت بشود. باید یک قدری توجه کنیم ببینیم آیا قانون معبودی خاصی که دارد از نقطه نظر تلقین عبارات به مدبکر است؟ یا قانون برای حفظ منافع جامعه محترم است؟ البته تصور میکنم شق ثانی مرجع است و احترام قانون از این نقطه نظر است که برای حفظ جامعه است و اگر قانونی باشد که برای جامعه مفید نباشد بعقیده من مجلس شورای ملی باید زودتر اجازه بدهد آن قانون را قطع کنند من تلاشی ندارم که این عقیده را بلندتر عرض کنم که قانون برای حفظ مصالح جامعه است و اگر یک خطری متوجه بشود عقیده من این است که قانون را باید زودتر یا گذاشت برای اینکه خطرات دورتر دیده قانون معترم است مادام که مصالح جامعه را حفظ کند ولی وقتی یک قانونی باشد که نتواند مصالح جامعه را حفظ کند و در نتیجه اجرا یا عدم اجرا فریاد اهالی مملکت بلند شود آنوقت من یک کسی هستم که می گویم آقای وزیر مایه من نسبت بسهم خودم حق می دم که همانطور که خودتان پیشنهاد میکنید این قانون موقوف الاجرا بماند حالاکه شما شاه های خود را برای قبول این بار سنگین حاضر میکنید این گوی و این میدان بفرمائید و مایه را اصلاح کنید و شما هم حق ندارید که در یک جایی بفرمائید من خواستم اصلاح کنم و کلاهی مجلس شورای ملی مانع از اجرای مقصود شدند من میخواهم تمام مردم این مملکت بدانند که یک مصدق السلطنه که طرف اعتماد مجلس شورای ملی واقع شده شاید هملا نایب کند و واقفاً مایه را اصلاح کند اگر اصلاح کرد بسا افتخار ایران که یک همچو فرزندی دارد که قادراست بفکر و عملیات خودش مایه مملکت را اصلاح کند و اگر خدای نخواسته نتوانست آنوقت دیگر حق این اظهار نداشته باشد که من قادر بودم مایه را اصلاح کنم و نگذاشتند بهمین حال بود که کمیسیون قوانین مایه بدون مطالعه در دقائق مسئله و جهود در ظاهر قانون حاضر شد اظهار موافقت با دولت بکند و پیشنهاد دولت را راجع بتشکیلات مایه قبول نماید اما بعضی آقایان ایراد کردند در موضوع لایحه دوم که چرا در آن موضوع اظهار عقیده نکردند این واضح است

و علتش هم خیلی منطقی است برای این که بموجب این ماده وزیر مایه حق ندارد قوانین را در ظرف سه ماه موقوف الاجرا بگذارد و اداراتی تشکیل بدهد حالانکه کمیسیون قوانین مایه بگوید علاوه بر این اختیاری که شما داده می شود من در تأسیس دو کمیسیون یعنی در تأسیس یک جزء از این تشکیلات مشارکت می کنم تازه این برخلاف آن اصل است وقتی که مجلس در اصل اجازه بوزیر مایه می دهد در فرع نباید دخالت نماید بعقیده من مشارکت در این امر کاستن از مسئولیت وزیر مایه است اگر وزیر حق پیدا کرد قانون را موقوف الاجرا بگذارد و تأسیساتی تازه احداث کند هر طور میل داشته باشد رفتار می کند شاید میل داشته باشد در این تأسیسات جدید ۲ کمیسیون نظارت دخل و خرج تعیین کند یا اینکه چهار کمیسیون تعیین کند یا شاید میل داشته باشد خزانه را مبدل بصدوق بکند یا صندوق را مبدل بخزانه در هر صورت اختیار با او است مجلس هر قدر از این قبیل مداخلات بکند بعقیده من مشارکت در مسئولیت وزیر کرده است.

بهمین الملاحظه بود که کمیسیون قوانین مایه در لایحه دوم اظهار عقیده مامایل نشد و فقط در باب این ماده واحدی داد. علی الخصوص یک نظریه دیگری هم کمیسیون قوانین مایه داشت که در جلسه گذشته هم خود آقای وزیر مایه اظهار فرمودند. ما باید به بینیم آیا ایشان چه اختیاری میخواهند.

واقفاً اختیارات یک کلمه بزرگی بنظر می آید خود ایشان بطور واضح و کامل توضیح دادند آیا بوزیر مایه اختیارات تصرف در دارائی مملکت داده می شود؟ خیر؛

آیا اختیار موقوف الاجرا گذاردن قوانین دیگری غیر از قانون تشکیلات با ایشان داده نبوده؟ نه. باید اینجا با صراحت گفته شود که فقط یک قانون تشکیلاتی است که نتیجه اش این است که در تهران چند اداره ساخته شده است و در ولایات هم پیشکارهایی برای مایه فرستاده می شود. اختیار خرج و تعدیل این ادارات است که بوزیر مایه داده می شود زیرا نتیجه این قانون این است که هر ولایت یک پیشکار مایه دارد و در مرکز هم فقط پنج شش اداره از قبیل خزانه و تشخیص عایدات و مجامعات و غیره موجود است و بعقیده بنده اگر منصف باشم عقاید مردم هم بحد این ادارات است و هر کسی این پنج اداره را حذف کند مردم از او متشکر می شوند بنابراین لازم نیست وقت خودمان را صرف ندبه روی نقش این قانون کوچک تشکیلات بکنیم؛ بلی من هم معتقدم احترام بر نسب و اصل محفوظ ماندن قوانین هستم من معتقد به گریه و انتقام قانون های کشته شده هستم اما یک قدری خوب است انصاف دهید که در روی این نقش کوچک یک نقشهای بزرگتری در این شش هفت سال اخیر از قانونهای کشته شده افتاده.

خوب است برویم روی آن نقشها و گریه کنیم و نظرم را متوجه قائلین آن قانونها بکنیم و تصور میکنم اگر این کار را بکنیم گذر عارف و عامی همه

بر دار افتد.

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی (اجازه نطق).

آقا میرزا سید حسن کاشانی - بنده عرض می کنم با رأی اعتمادیکه و کلاه بکشایید داده اند متأسفم که آقای وزیر مایه یک ماده پیشنهاد کرده اند که هر چه فکر می کنم بواسطه اینکه این اختیارات را هنوز کسی نمی داند حدودش تا چه اندازه است و نتیجه اش چه خواهد شد نمی توان باین ماده رأی داد زیرا اختیار دادن بوزیر مانوق آنچه را که قانون معین کرده است غلط است وزیر باید مجری قانون باشد و کبیل هم نماینده شده است برای اینکه وضع قانون بکند و ناظر اجراء قانون باشد مجلس از خودش این حق را نباید سلب بکند و بیسک آدمی که نهایت اعتماد هم باو دارد بدهد خود آن آدمی می گوید من برای تجربه می خواهم اداراتی تأسیس بکنم پس از اینکه تأسیس کردم اگر دیدم قابل اجرا است آنوقت لوایش را ب مجلس می آورم چنین چیزی قابل قبول نیست خوب است آقا هرا لایحه که میخواهند برای تأسیس دوایر تهیه کنند قبلاً بیآورند به مجلس مجلس هم در آن نظر می کند اگر حقیقه قابل اجرا باشد و صلاح مملکت باشد تصویب می کند. فرضی که در بین نیست آنوقت می دهد بوزیر مایه و می گوید شما در مقام اجرا برآید و اگر چنانچه منافی با مصالح مملکت باشد او را رد می کنند باینکه بام مصالح مملکت یک اختیاراتی بوزیر مایه داده شود که برای بعد سابقه بشود که هر وزیر بگوید بنام مصالح مملکت و بنام اختلافات یک اختیاراتی بمن بدهید.

آقای وزیر مایه می فرمایند اختیار چه چیزی را بمن می دهید؟ من که یول نخواسته ام اگر پول بخواهند که مسئله نیست چنانکه پانزده هزار تومان پول خواستند برای سد جاجرود فوری مجلس تصویب کرد پول که چیزی نیست ولی مسئله قانون غیر از پول است.

وضع قانون حق و کلا است و برای وکیل مجلس هیچکس حق ندارد قانون وضع کند.

رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه نطق).

امین الشریعه - بنده با کمال تعجب عرض میکنم که صغری را قبول می کنیم کبری را قبول نمیکنیم ولی وقتی که بنشینیم میرسیم نتیجه را در می کنیم تمام ما منتفقاً می گوئیم اداره مایه ما محتاج باصلاحات و اصلاحات اداری هم موقوف و موکول است بتصرفات در تشکیلات اداری آن وقت که یک نفر وزیر مایه صحیح العمل می آید می گوید من میخواهم اصلاح کنم مارد می کنیم پس قبول کردن صغری و کبری همین است و در کردن نتیجه نیز همین پس معلوم میشود که ما اصلاح را میخواهیم با بصورت لفظی و گفتن اصلاح را میخواهیم زیرا اگر نظرمان بحقیقت اصلاح بود معنی را تعقیب میکردیم و بصورت نمی چسبیدیم بنده می خواستم شرحی در موجبات وضع قانون عرض کنم ولی آقای سردار معظم بطور کافی بیان فرمودند

حقیقه همینطور است قانون از چه نقطه نظر وضع می شود، قانون وضع میشود برای اصلاح ادارات و حسن جریان امور و باید این مسئله فلسفی ملحوظ نظر واضعین بوده باشد زیرا قانون صورتی است که ما را بمعنی میرساند هر گاه این صورت ما را بمعنی نرساند باید از او صرف نظر کنیم و صورت دیگری را می گیریم تا بمعنی برسیم نه اینکه یک صورت بچسبیم و حقیقت را زیر پای بگذاریم برای این مسئله مثلی عرض میکنم و ضرب الله مثلا این مسئله شخصی میباشد که مریش داشته باشد و بعد ذاتی طبیعی هم معتقد باشد ولی دوائی را که باو میدهد بگوید این دوا را بر مریش نمیدهد در صورتی که ما معتقد هستیم باینکه ادارات ما خاصه اداره مایه که منبع تمام قوا و حرکت چرخهای جمیع ادارات است محتاج باصلاحات است این را معتقدیم و تردیدی هم نداریم و از آن طرف نیز معتقدیم که آقای وزیر مایه شخص صحیح العمل معتقد هستند که حسن سوابق او را مخالف و موافق تصدیق می کنند چیزی که بنظر بنده می آید شاید ایرانی بودنشان موجب این می شود که ما پیشنهاد ایشان را قبول بکنیم صحیح است؟

(بعضی گفتند خیر - صحیح نیست)

امین الشریعه - اگر صحیح نیست حرف نزنم بعد از آنکه ما برای جلب تخصصین خارج ۰۰۰ سلیمان میرزا - توهین می کنید تهمت نزنید.

امین الشریعه - خیر همینطور است که عرض میکنم آقای رئیس حق دارم عرض کنم.

رئیس - شما حق دارید آنها هم حق اعتراض دارند.

امین الشریعه - اگر حق دارند اجازه بخواهند بعد اعتراض بکنند بعد از آنکه ما معترف شدیم که ادارات ما محتاج باصلاح است و برای جلب متخصصین خارجی حاضر میشویم در صورتیکه یک نفر وزیر صحیح العمل بگوید من اصلاح میکنم برای چه قبول نمیکنم قانون برای چه وضع شده برای این است که ما را بحقیقت برساند برای است که بموقع عمل و حسن جریان بیفتند هر گاه در موقع آن عمل نشد آن قانون برای ما کمکی نخواهد بود باید کشف کرد که این اختیارات راجع به چیست و برای چه یک نفر وزیر صحیح العمل این اختیارات را بخواهد آیا اختیار برای کمزوری کردن جمع یا خرج مملکت است؟ ابدأ چنین نیست اختیار برای کیفیت گرفتن و کیفیت خرج کردن است والا اصل جمع و خرج محفوظ است و بهمین دلیل است که دو کمیسیون برای نظارت جمع و خرج پیشنهاد کرده است و این پیشنهاد خیلی عمیقانه بوده است و آقای وزیر مایه توجه همین نکات بوده که در کمیسیون تصویب مجلس خواسته است تا در اینجا سوء تفاهم نشود و خیال نکنند که در جمع و خرج مملکت یک تصرفاتی خواهد کرد که خدای نکرده مضر بحال مملکت باشد نظر بهمین ملاحظه این دو کمیسیون را خواسته و کمیسیون قوانین مایه آن را غیر لازم

شمرده صحیح است قانون مقدس است و هیچ کسی حق ندارد قانون را لغو نماید ولی باید دید آیا خود مجلس هم حق لغو قانون را ندارد؟ البته اگر یک نفر وزیری از مجاری غیر از مجلس و غیر از ارجاع بقوه مقننه خواست یکی از قوانین را لغو کند یا موقوف الاجرا بگذارد بایستی مورد حملات بشود ولی در همان مجرائی که آن قوانین وضع شده اگر موقوف الاجرا بشود هر چه فکر میکنم عیبی نمی بینم بهر حال بنده خیلی زحمت نمیدهم و هرا یض همین بود که عرض کردم و بهیچ نطق و دلیلی هم نمی توانم قانع بشوم که یک نفر وزیر صحیح العمل معتقد که داوطلبانه حاضر برای اصلاحات شود آنها هم در ظرف سه ماه و مدت باین کمی ما او را رد کنیم و بگوئیم این نوع اصلاح را نمی خواهیم و حتماً بایستی از خارج بیایند مملکت را اصلاح نمایند.

رئیس - آقای حاج شیخ اسداله موافقید؟

حاج شیخ اسدانه - بلی

رئیس - آقای مستشار السلطنه موافقید یا مخالف؟

مستشار السلطنه - موافقم.

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه نطق)

سلطان العلماء - بنده بمذاذیک مخالف صحبت خواهم کرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقید؟

آقا سید یعقوب - بله موافقم.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - اولاً خدمت آقایان عرض میکنم که امشب آقایان را بمذاکرات خود زیاد معطل خواهم کرد مگر اینکه بقیه مذاکرات موکول بجلسه آتی بشود.

حال شروع می کنیم بجواب یکی یکی از مسائل که در این جا مذاکره شده منتهی آقای امین الشریعه فرمایش فرمودند که لارم میدانم ابتدا جواب ایشان را بدهم البته همه و کلاهی در مجلس از اظهار عقیده آزاد هستند منتهی بسا دلایل متضای و حفظ نزاکت و بهیچوجه نباید عقاید مخالفین خود را تروریزه بکنیم تا همت و افترا بزنیم آیا در این مجلس کیست که مخالف اصلاح باشد که حقیقت را بچشم این فرمایش ایشان اظهار بی انصافی بود برای اینکه اشکال آقای تدین راجع بقدمه بود و اشکال بنده راجع بقانون تشکیلات و ایشان یکی یا هر دو این مسائل را جزوظواهر فرض کرده اند بنده حقیقتاً نمی فهمم اگر بگویند مطابق نظامنامه داخلی مطالب باید در جریان باشد جزوظواهر و دلیل بر اعتماد یا عدم اعتماد نیست. آقای وزیر راجع بقانون تشکیلات چندین چیز متضاد فرمودند بگفته می گویند این قانون اصلاً بعمل نیامده و دفعه دیگر میگویند این قانون عملی نیست بنده نیز فهمم چیزی که بموقع عمل نیامده عملی بودن یا نبودن از کجا معلوم میشود؟ راجع بقانون هم همانطور که آقای سردار معظم فرمودند بهتر این است که یکی از مخالفین خود را مدافع قانون تشکیلات مایه معرفی کند) بنده هم میخواهم خود را مدافع قانون معرفی کنم و

حق با کدام طرف است بملاوه هیچک از ماها از طرف خدا یک تأییدات خاصی نداریم ممکن است اغلب اشتباه نمایم ممکن است بنده اشتباه کرده باشم و نیز ممکن است سرکار و سایرین اشتباه کرده باشند البته در موقع عمل ثابت خواهد شد که اساس مجلس و ادامه آن نیز برای اصلاح همین اشتباهات است پس اگر در اینجا اظهاراتی می شود نباید بکدیگر مخالف اصلاح تصور کنیم. حال شروع میکنم بجواب سایر مذاکرات یک قسمت راجع بفرمایشات آقای وزیر مایه است و قسمت دیگر راجع بفرمایش آقای مضر است که کاملاً اساسی و منطقی بود بنده کایه قوانین تشکیلات مایه را در روی این میز گذارده ام و یک یک از مواد آنرا خواهم خواندم.

آقای وزیر یادداشت فرمایند در موقع خود بفرمایند کدام یک از این مواد بدترین شده و کدام یک مبهم نوشته شده خیلی از مواد در این قانون هست که اگر آقای وزیر مایه هم که متخصص هستند و اطلاعات کامل دارند نمی توانند غیر از این موا چیزی بنویسند در اینجا گفته می شود این قانون بایستی با مضر حذف شود چرا؟ برای اینکه رأی اعتماد با آقای وزیر داده ایم بسیار خوب آقایانی که بپیر گرام دولت رأی داده اند دفاع کنند و رأی خودشان را محفوظ دارند بنده که رأی نداده ام و با هیچ تشویبی هم ندارم چون رأی باورقه نبود هلناً میگویم که من بپیر گرام دولت رأی نداده ام برای اینکه روز اول هم گفتم پیر گرام خیلی خوب و با عبارات قشنگ نوشته شده ولی من منتظر عمل هستم و در هر موقع عمل آقایان وزراء خوب بود بایشان موافقت خواهم کرد و هر موقع مثل حالیه موافق نظریات خود عملیاتشان را مخالف قانون دیدم بوظیفه و کالت مخالفت خواهم کرد و البته در اظهار عقیده هم آزاد هستم. اما راجع بفرمایشات آقای وزیر مایه میتوان آنرا تقسیم سه قسمت نمود. در قسمت اول مختصری از زندگانی و خدمات خیر خواهانه خود بیان فرمودند. البته محتاج بتذکار نیست معلوم است هر کس بقدر قوه خود اگر توانسته است خدمتی کرده بنده عملیات ایشان را تصدیق میکنم. لکن این مطلب دلیل بر خوبی یا بدی قانون نیست لذا از این قسمت صرف نظر میکنم اما راجع بقسمت آخر که فرمودند خوب است این ظواهر را حفظ بکنیم و حقیقت را بچشم این فرمایش ایشان اظهار بی انصافی بود برای اینکه اشکال آقای تدین راجع بقدمه بود و اشکال بنده راجع بقانون تشکیلات و ایشان یکی یا هر دو این مسائل را جزوظواهر فرض کرده اند بنده حقیقتاً نمی فهمم اگر بگویند مطابق نظامنامه داخلی مطالب باید در جریان باشد جزوظواهر و دلیل بر اعتماد یا عدم اعتماد نیست. آقای وزیر راجع بقانون تشکیلات چندین چیز متضاد فرمودند بگفته می گویند این قانون اصلاً بعمل نیامده و دفعه دیگر میگویند این قانون عملی نیست بنده نیز فهمم چیزی که بموقع عمل نیامده عملی بودن یا نبودن از کجا معلوم میشود؟ راجع بقانون هم همانطور که آقای سردار معظم فرمودند بهتر این است که یکی از مخالفین خود را مدافع قانون تشکیلات مایه معرفی کند) بنده هم میخواهم خود را مدافع قانون معرفی کنم و

لذا مرض میکنم اگر بعقیده آقای وزیر مالیه مواد این قانون معیوب و غیر عملی است بعقیده بنده این قانون عملی است منتهی بعضی شبهات در این قانون مردود است که مجهول التکلیف است و اینهم منحصراً باین قانون نیست در قانون اساسی هم بعضی مواد هست که بایستی تفسیر شود سایر قوانین هم همینطور بعضی مواد و فصول متضاد دارد که در موقع عمل باید جرح و تعدیل شود چنانکه در جلسه قبل هم عرض کردم خوب است آقایان وزراء عموماً یک چنین ماده پیشنهاد کنند و ما را سه چهارم امرخص کنند زیرا قوانین سایر ادارات و وزارت خانهها هم بدون استثناء همین معایب را دارند بلکه خیلی بیشتر مثلاً قوانین وزارت داخله پنجاه درصد بایستی اصلاح شود و وزیر داخله هم باید همین دلیل یک همچو پیشنهادی بکنند و ما را آسوده بکنند این دلیلی نیست که بنده را قانع نماید و رأی به موقوف الاجرا ماندن قانون تشکیلات مالیه هم آقای سردار معظم فرمودند خوب است روی این نقش کوچک ندیده نکنیم بنده چون هنوز گذشته نشده ندیده میکنم و از زندگی آن دفاع می کنم که گفته نشود و عرض میکنم این قانون بیچاره را که می خواهیم محکوم باعدم نائیم مقرر نیست آقای سردار معظم فرمودند علت خرابی دوازم ما یا از نبودن قانون است و یا از بی قرانین ولی بنده عرض می کنم خرابی دوازم ما بواسطه سه علت است و یک علت دیگر هم بنده اضافه میکنم و آن اجرا نشدن قانون و اعتناء نکردن بقانون است در کدام یک از دوازم این مملکت قانون اجرا می شود؟ در روی کدام یک از میزهای ادارات کتاب قانون گذاره شده که در مواقع لازمه مراجعه بآن بنمایند بنده در طهران که ندیده ام و یقیناً در ولایات بطریق اولی موجود نیست پس در اینصورت تصحیح بیچاره قانون نیست که میخواهم اهدامش نائیم تصحیح از ما مداران امور اجراء کنندگان قانون است آقای سردار معظم فرمایش دیگری فرمودند که بنده کاملاً بآن موافقم در این مملکت هر کس از ما مداران امور یا غیر آنها قانون را مزاحم شخص خود دیدند میخوانند آن قانون را برای منفعت خود پاره کنند این مسئله تنها راجع باشخص رسمی و وزراء نیست خرابی راجع بتمام مملکت است هیچکس فکر قانون نیست این مردم و افکار عامه که آقای وزیر فرمودند خیلی روشن است بنده که ندیده ام ایشان حسن ظن دارند انشاء الله اینطور باشد اگر افکار عامه روشن بود بنده اینجا مجبور بگفتن این حرف نمی شوم و افکار عامه خودش دفاع می کرد افکار عامه کجاست ملتی که در آن تعصبات اجباری نیست و امتیاز فضلی موجود نیست در آن ملت نه قانون حفظ می شود و نه اجراء می گردد تصحیح از جهالت و نادانی است و الا این بدبخت قانون هیچ تصحیح ندارد ملتی که تعصباتش باین درجه است البته وزیر مالیه حق دارد بگوید از دست توصیه کنندگان چه کنم اگر ملت تحصیل کرده بعد هیچکس از او کیل و فیر و کیل جرئت توصیه کردن نداشت و یقیناً اگر اشخاص تحصیل کرده بودند توصیه نمی خواستند و اگر هم توصیه می شد وزیر می نوشت این توصیه برخلاف قانون است این شخص

اگر دارای فلان شرایط فضلی هست البته با کمال خوبی قبول می شود والا ابداً توصیه و کیل حجة الاسلام شاهزاده خان بیک قبل نخواهد شد اما امروز این خرابی که در مملکت هست و مردم را از تحصیل دور داشته هلتنش تشویق نکردن تحصیل است شب گذشته عرض کردم در این مملکت تشویق نیست بدبخت شاگرد مدرسه بعد از آنکه همرش را به تحصیل تمام کرده تازه باید برای ادامه معیشت می آید ازمن که وکیل هستم توصیه بگیرد بیچاره هنوز تحصیلش باندازه یک توصیه این قدر و قیمت ندارد چنانکه آقای وزیر هم از توصیه گله فرمودند اینها همه بافکار عامه بستگی دارد البته افکار عامه مملکتی که افراد آن مملکت همه باسواد نیستند واقماً اکثریتشان راهلما تشکیلی نمی دهند و مدارش از بی بولی تعطیل می شود اینگونه صحبتها را می آورد این است که داخل اینگونه مذاکرات می شویم قسمت دیگر از فرمایشات آقای وزیر راجع به عملی نبودن قانون تشکیلات بوده و موامنی که برای غیر عملی نبودن این قانون ذکر نمودند سه چهار چیز خیلی مختصر پیش نبوده که آنها را بطور خلاصه و مثال فرمودند که یکی از آنها کمیسیون تطبیق حوالجات است در صورتی که اگر مواد قانون را بخواهیم آنوقت معلوم میشود اگر یک عضو از اعضاء کمیسیون تطبیق حوالجات به وظیفه خود عمل نکرده باشد (بقول آقای امین الشریعه که فرمودند ما صغرا را قبول می کنیم و منطقاً باز همان صغرا و کبیرا که فرمودند قانون مقرر است یا بنده که بوظیفه خود عمل نکرده ام البته شاهزاده قانونی بنویسد مادام که ما مورین شام مطمئن باشند در مملکت مجاز نیست غیر ممکن است آن قانون اجراء شود در مملکتی که خود آقای مصدق السلطنه چند نفر را محکوم می کنند بعد از آنکه وزیر تغییر کرد وزیر جدید با اسم تجدید نظر محکومیت را از بین می برد و آن شخص که محکوم بود با توصیه یا وسیله دیگر از مأموریت ولایتی ترقی کرده و این دهنه مأمور ایالت میشود در یک چنین مملکت قانون چه تصحیح دارد؟ بنده عرض میکنم تا این اصول مجری است هر قدر بآقای وزیر مالیه اختیارات و اقتدارات بدیم صاف و ساده میگردیم اصلاحات و پیشرفت نخواه کرد فقط بی ملاحظه گی حفظ قانون و امتیاز فضلی است که مردم را امیدوار و کارها را منظم می کند نه موقوف الاجراء ماندن قانون باری آقای وزیر راجع بکمیسیون تطبیق حوالجات ایراد و اشکال می فرمودند اگر یکی از اعضاء کمیسیون تطبیق حوالجات در موضوع شبهه شکسته لیوناد حرفی زده باشد تصحیح ماده قانون نمیشود تا آنرا محکوم کنیم اگر یک وزیر یا وکیل برخلاف وظیفه اش رفتار کند باید حکم القاء هیئت دولت یا مجلس شورای ملی را داد و گفت چون این وکیل برخلاف وظیفه عمل نموده قوانین مجلس شورای ملی بایستی دسالم موقوف الاجراء بماند و بی بگوئیم مملکت وزیر بایستی داشته باشد چون فلان وزیر قانون را بد اجراء نمود این دلیل را بنده نمی فهمم البته حافظین کمیسیون تطبیق حوالجات و کلای

مجلس شورای ملی و مجریان قوانین یعنی وزرای دولت می باشند و در زمان فترت شاید دولت چندین موافقتی با کمیسیون نداشته اند با وجود اینکه قدرتی نداشتند خیلی کارهای خوب کرد مثلاً نسبت بیک شخصی که ادعای طلب میکرد بیک حرف که گفته اند این طلب غیر مشروع است ما را از چهار صد هزار تومان خسارت خلاص کرده اند اگر یک مختصر اشکالی برای شیشه های لیوناد کرده اند در عرض ما را از ش چهار صد هزار تومان یا مثلاً از ش یکی از این تصویب نامه ها که در دست بنده است و الان خواهم خواند خلاص نموده اند این یکی از تصویب نامه های کوچکی است که اگر بموقع اجراء گذارده بودند بهمین وزارت مالیه که متصل میگویند خراب است خسارت کلی وارد آورده بودند یا آورده اند میدانم همین کمیسیون تطبیق حوالجات است که یک قسمت از این خسارات را ممانعت کرد این تصویب نامه را که می خوانم یک تاریخچه کوچکی است از ایام فترت اگر چه مثل هوامانه است اما در این موقع مناسب است « یک شخصی می گفت هر وقت شاه شدم اول برای خودم مواجب ترتیب میدهم حالا آقایان وزراء هم برای خودشان مواجب ترتیب داده اند. مواد تصویب نامه ۳۸۱۵ هیئت وزراء مورخه ۳ برج دلو ۱۲۹۷ وزارت جلیله مالیه در جلسه اول برج دلو ۱۲۹۷ هیئت وزراء عظام مواد ذیل تصویب نمودند .

مستشار السلطنه - تاریخ این تصویب نامه چیست ؟

سلیمان میرزا - سنه ۱۲۳۷ است

ماده اول - از ابتدای سنه قوی ثیل ۱۳۳۷ وزراء منصوب که در موقع تصدی مقام وزارت موافق قسمت سوم از ماده چهارم تصویب نامه ۲۶ رمضان ۱۳۳۰ حقوق شخصی خود را علاوه بر حقوق وزارتی تمام دریافت می نمودند مادام که متصدی شغل وزارت یا شغل دولتی موظف دیگر باشند از دریافت حقوق شخصی محروم خواهند بود و فقط حقوق شغل دیوانی که متصدی آن هستند به آنها داده خواهد شد .

سلیمان میرزا - این ماده ظاهراً برخلاف ایرادی است که بنده نموده ولیکن اگر تأمل فرمائید ماده دوم تفسیر خواهد کرد.

ماده دوم - وزرای حاضر و وزیرانیکه بعد از این متصدی شغل وزارت بشوند هر وقت از شغل وزارت منفصل گردیدند مادام که متصدی شغل دولتی دیگر نشده اند ثلث حقوق ماهیانه وزارتی را که نسبت بر رئیس الوزراء ششصد و شصت و شش تومان هزار و کسری و نسبت بسایر وزراء هر یک سیصد و سی و سه تومان و سه قران و کسری است بطور شهریه و تومان یک تومان دریافت میدارند

سلیمان میرزا - بسیار خوب خوب بود ما هم سعی میکنیم اگر چه دوروز هم باشد وزیر میشدیم که ۳۳۳ تومان و کسری الی الابد حقوق می گرفتیم یا اگر رئیس الوزراء میشدیم بهتر بود در

در آن صورت ۶۶۶ تومان و کسری حقوق داشتیم .

ماده سوم - مستمری دیوانی وزراء مذکور در ماده فوق هر مبلغ و مقدار باشد از باب ثلث حقوق وزارتی که در زمان بیکاری دریافت میشدند کسر شده و تأدیبه نخواهد شد

سلیمان میرزا - خیلی مرحمت فرموده اند

ماده چهارم - وزرائیکه در دوره مشروطیت ثانی متصدی مقام وزارت شده و مشمول ماده دوم این تصویب نامه نیستند مستمریات شخصی یا شهریه های مصوبه در باره آنها کاملاً سابق موافق قسمت سیم ماده چهارم تصویب نامه بیست و ششم رمضان (۱۳۳۰) پرداخته خواهد شد

تصویب نامه در حکایت ریاست وزراء ضبط است .

سلیمان میرزا - معلوم است اشخاصی که قبل از دوره فترت وزیر بوده اند از این قاعده کلی محروم هستند بلی آقایان وزراء خیلی خدمت کرده اند و خوب مملکت را اداره کرده اند البته هر کسی تا خود را اداره نماید نمی تواند دیگری را اداره کند اول باید آئیه خود را تأمین بکنند بعد در فکر مردم باشد البته خیالشان باید راحت باشد این اشخاص خیلی خوب و خیلی عالی مقام هستند منتهی مالیه مملکت تقریباً است ضروری ندارد تصویب نامه دیگران است

سواد تصویب نامه ۷۲۷۶ هیئت وزراء

وزارت جلیله مالیه

در جلسه ۲ عقرب هیئت وزراء تصویب نمودند که چون تصویب نامه مورخه اول دلو ۱۲۹۷ در تحت ۳۸۱۵ بصورت خود باقی است آقای اعلاء الملک می تواند از تصویب نامه مذکوره شهریه خود را استفاده نمایند

تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است

سلیمان میرزا - این است اوضاع مالی مملکت اسامی آقایان وزراء و رئیس الوزراء هم نزد بنده است ولی چون نمی خواهم وقت مجلس تلف شود از خواندن آن صرف نظر میکنم در موقع خود بهر یک از آقایان که مایل باشند ارائه خواهم داد موافق این صورت تقریباً بیست و شش نفر وزیر و چهار رئیس الوزراء در این مدت بوده اند علاوه بر چند نفری که بواسطه اینکه نمی خواستند زیر بار این تصویب نامه بروند و بجهت دیگر بعد از وزارتشان این حقوق را دریافت نداشته اند، مابقی شاید این حقوقات را دریافت نموده اند که جمعاً یکصد و چهل هزار تومان میشود آیا این مسئله از سوء قانون تشکیلات است ؟ اگر کمیسیون تطبیق حوالجات با همان اقتدار قانونی می توانست از این تصویب نامه ها که در ایام فترت مثل بک خزان میربخت جلو گیری کند آیا بندهم از مالیه بدبخت این مملکت تفریط میشد ؟ اگر تمام تصویب نامه را بیاورند و ملاحظه کنید آنوقت معلوم خواهد شد چه خبر خواهد بود خرابی تنها از بدی قانون یا نبودن قانون نیست حتی از عدم اجرای قانون هم نیست بلکه از تاریکی افکاری است که آقای وزیر

فرمودند روشن است و بگانه علاج بسط معارف و دانا شدن مردم است و بس هیچ چاره و علاجی جز این نیست. حالا چون خود را حامی این قانون معرفی میکنیم و شخصاً یکی از زرای دهندگان باین قانون هستم لذا یکی یکی از مواد آنرا نخوانیم آقای وزیر فرمائید کدام یک از این مواد بد است یا عملی نیست

قانون تشکیلات وزارت مالیه مملکت ایران

ماده اول - وزارت مالیه بتقسیمات ذیل تقسیم می شود .

۱ - وزیر دارائی

۲ - اداره تشخیص عایدات و خالصجات و مسکوکات

۳ - اداره خزانه داری کل

۴ - اداره معاسبات کل مالیه دیوان عمومی و وظائف

۵ - اداره گمرکات

۶ - اداره محاکمات مالیه

۷ - کمیسیون تطبیق حوالجات

۸ - دایره پرسنل و ملزومات

۹ - مجلس مشاوره عالی برای محاکمات اداری

سلیمان میرزا - این نه شعبه وزرات مالیه است آقای وزیر کدام یک از این شعبات را حذف خواهد کرد ؟ اگر هم میخواهد هم خزانه را به صندوق تبدیل کنند که تغییر اسم است و بقول آقای سردار معظم چسبیدن عبارت است حالا اگر از دست خزانه داری بماند نیاید اسمش را صندوق بگذاریم و یا چنانکه آقای وزیر فرمودند میز و صندوق را از این طرف اطاق بردارند و طرف دیگر اطاق بگذارند و بدینصورت سندلیهای اطافها را کم و زیاد بکنند آیا باین ترتیب تصور می کنید مالیه که روح مملکت است اصلاح خواهد شد ؟ بنده با وجود اینکه مخالفم خیلی مایلیم این اقتدار و اختیار را بآقای وزیر مالیه بدهند تا اینکه آقای وزیر ملاحظه ایشان را فرمایند و بعد ببینند تا تغییر میز و صندوق تغییر اشخاص که مأمور مالیه خراسان بفارس برود و پیشکار مالیه فلانجا رئیس صندوق بشود امور مالیه اصلاح نخواهد شد باز هم توصیه جریان خواهد داشت و من که یک نفر وکیل هستم دست یک شخص را می گیرم و می آورم منزل سرکار و می گویم مدیریت فلان اداره را باین شخص بدهید آقای وزیر هم برای اینکه بنده را ساکت کرده باشند قبول خواهند کرد پس تا وقتی که صحت عمل و امتیاز فعلی در کار نباشد و تا وقتی که محکومین پس از چندی بری الذمه می شوند و هیچ تغییر قانونی هیچ تغییر میز و صندوقی مالیه که مقاش خیلی عالی است هیچ تجارتخانه کوچکی هم اصلاح نخواهد شد باز اشخاص غیر لایق در روی صندوقی هائی که مناسب با فضیلتشان نیست خواهند نشست و یک قاضی که عبارت را غلط می نویسد همانطور که آقای مدس فرمودند تقریر نویس که سواد فارسی ندارد همانندلی ما را اشغل خواهد کرد

رئیس - جمعی از آقایان اجازه خواسته اند مواظب می گردیم آقای رئیس الوزراء تقاضای تشکیل کمیسیون نمودند که بعد از ختم جلسه باید آن کمیسیون تشکیل

شود اگر آقایان نمایندگان هیئت دولت موافق باشند بقیه نطق آقای سلیمان میرزا و نطق سایر آقایان بماند برای روز شنبه دوساعت بغروب (بعضی گفتند صحیح است)

سلیمان میرزا - بنده هم عرضی ندارم در جلسه آئیه بقیه عرایض خود را عرض خواهم کرد (مجلس ۲ ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۹

صورت مشروح مجلس یوم

سه شنبه سلخ شهر صفر ۱۳۴۰ مطابق ۹ عقرب ۱۳۰۰

مجلس یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .

صورت مجلس یوم پنجشنبه چهارم عقرب را آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراض هست یا نه . (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب گردید . دستور امروز چنانچه قرائت شد بقیه شور در ماده واحده است که آقای وزیر مالیه پیشنهاد کرده اند ولی قبلاً بعضی مطالب است که باید عرض آقایان برسد .

اولاً راپورتی است از کمیسیون تطبیق حوالجات رسیده دایره برعلیات خودشان از زمانی که تشکیل شده الی حال باید طبع شده و بین آقایان توزیع شود .

ثانیاً اشخاصی که برای کمیسیون ها انتخاب شده اند :

سه نفر برای کمیسیون داخله لازم بود آقایان حاج نصیر السلطنه - شیخ العرافین و آقا سید کاظم یزدی انتخاب شده اند برای کمیسیون قوانین مالیه یک نفر لازم بود آقای حاج میرزا اسدالله خان کردستانی انتخاب شده اند برای کمیسیون نظام هم آقای صمصام السلطنه انتخاب شده اند .

ثالثاً راپورتی از شبه پنجم راجع بنمایندگی آقای حائری زاده رسیده است اگر مخالف نیست جزو دستور بشود . مخالفی نیست گفته شد خیر

آقای شیخ العرافین زاده احضار و راپورت زور را بمضمون ذیل قرائت نمودند .

در نتیجه جلسات متعدده که شبه پنج برای رسیدگی بدوسیه انتخابات یزد نموده راجع بصحت اعتبار نامه آقا سید ابوالحسن حائری زاده راپورت ذیل را تقدیم می دارد .

در تاریخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۸ بموجب امر تلگرافی وزارت داخله در اجراء انتخابات حوزه مرگزی یزد و توابع حکومت یزد هیئت نظار را مطابق قانون انتخابات تشکیل هیئت نظار از یوم رمضان اعلان انتخابات راداده و از دوم شوال ده روز برای توزیع تعرفه در حوزه مرگزی یزد و پنجروز بجهت اخذ آراء تعیین و در شانزده محل ذیل شعبات هیئت نظار را تشکیل دادند .